



تاریخچه صنعت چاپ

همان گونه که در این نوشته خواهیم دید، چگونگی پیدایش صنعت چاپ- با آن که غربی ها آن را به نام خود می دانند- چندان آشکار و بدیهی نیست، اما به گفته ای باید کشور چین را مبدأ آغاز چاپ دانست. در ایران نیز ظهور صنعت چاپ و ورود چاپخانه، به دورانی بیش از صد سال بازمی گردد. برخی چاپ در ایران را به دوران مغول مربوط می دانند. با این حال، صنعت چاپ به شکل جدید به دوره قاجار بازمی گردد. مقاله ای که می خوانید، نگاهی است به این موضوعات و تحول و تطور چاپ و چاپخانه در تاریخ. قبل از اختراع چاپ، کتاب ها را با دست تکثیر می کردند. در آتن، اسکندریه و روم، عده ای از نساخان، شاهکارهای ادبی را استنساخ می کردند و این کار در سراسر قرون وسطی ادامه داشت. کتاب به اندازه ای گرانبها بود که تعداد کمی از مردم توانایی تهیه آن را داشتند. در نتیجه، در عصر کاوش و پیشرفت، امکان خواندن و پژوهش محدود بود. در بیشتر دوران قرون وسطی، کاغذ پوست گوسفند و گوساله به کار می رفت. از یک قرن پیش از شارلمانی، دیگر پاپيروس مورد استفاده قرار نگرفت. مسلم است که کاغذ برای اولین بار از جهان اسلام به اروپا راه یافت زیرا کاغذ، اولین بار در آن دسته از سرزمین های مدیترانه که با سرزمین های اسلامی تماس مداوم داشتند دیده شده است. مسلمین، راز تولید کاغذ را از چینی ها آموخته بودند.

برای ساختن کاغذ، الیاف گیاهی را خرد و خمیر می کردند، خمیر را به صورت لایه ای نازک و یکنواخت روی صفحه ای یا پارچه ای پهن می کردند و می فشردند تا آبش گرفته شود و آنگاه الیاف را در هم می فشردند. حوالی پایان قرون وسطی- به ویژه هنگامی که چاپ متداول



گردید- کاربرد کاغذ، جایگزین کاربرد پوست و کاغذ پوست شد. منشا هنر چاپ را باید در چین جست وجو کرد، گرچه اشیای فوگل در کتاب خود هیچ اشاره ای به نقش مشرق زمین و به طور اخص، چین در ابداع چاپ ننموده است و آن را از مهمترین ابداعات فناوری تمدن غربی می شمارد، اما بسیاری از مورخان و نویسندگان همانند هنری لوکاس، نقش چین را در چاپ نادیده نگرفته اند و بر این باورند که این هنر از چین به اروپای غربی رسیده است. به این ترتیب، مراحل تحول چاپ در هاله ای از ابهام قرار دارد، اما براساس آنچه عبدالحسن آذرنگ در کتاب خود می نویسد: «در حدود سال ۱۰۴۰ میلادی، کیمیاگری چینی به نام «پی سنگ» از گل و نوعی چسب مخصوص، ترکیبی به وجود آورد و با آن حروفی متحرک ساخت و سپس این حروف را پخته و سفت کرد. پی سنگ حروف را کنار هم قرار می داد و با وسیله ای فلزی محکم می کرد و بر روی آن مخلوطی از رزین، موم و خاکستر می مالید و صفحه حروف را به آرامی حرارت می داد. پس از انتقال نقش صفحه بر کاغذ و تکثیر آن، باز حروف را به آرامی حرارت می داد و از هم جدا می کرد که این ابتکار پی سنگ را راه حل حروفچینی با حروف متحرک می دانند.»

از سده دوازدهم به بعد، صنعت چاپ در غرب با کمک قالب های چوبی و حکاکی دستی صورت گرفته بود، اما آنچه در سده پانزدهم ابداع محسوب شد، عبارت بود از تکمیل دستگاه چاپ فلزی و متحرک که نسخه های فراوانی را با سرعت بیشتر چاپ می کرد. تحول در صنعت چاپ تا رسیدن به دستگاه فلزی را باید یک روند تدریجی به حساب آورد که در فاصله سال های ۱۴۴۵ تا ۱۴۵۰ میلادی به اوج رسید. یوهانس گوتنبرگ اهل مانیتس، نقش مهمی را در تکمیل این صنعت ایفا کرد. «انجیل گوتنبرگ» که در سال ۱۴۵۵ یا ۱۴۵۶ میلادی به پایان رسید، اولین کتاب واقعی محصول نوع چاپ متحرک بود. در نیمه دوم سده پانزدهم، چاپ جدید به سرعت در اروپا رواج یافت. چاپخانه ها در دهه ۱۴۶۰ میلادی در سراسر خاک



امپراتوری مقدس روم تاسیس شد و با گذشت ده سال، به ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و اروپای شرقی رسید؛ مخصوصاً ونیز که به مرکز چاپ معروف شد و تعداد چاپگران این شهر تا سال ۱۵۰۰ میلادی به قریب صد تن بالغ شدند و حدود دو میلیون جلد کتاب در آنجا به چاپ رسید.

اما در ایران؛ رافائل دومان در خاطرات خود می نویسد: «به خاطر نبودن صنعت چاپ، کتاب در اینجا (ایران) خیلی گران است. قیمت کتاب بر حسب سطور کتاب تعیین می شود. محتوای کتاب در تعیین قیمت آن هیچ تاثیری ندارد. یک کتاب با هزار سطر به قیمت دو عباسی فروخته می شود. اگر با خط خوش نوشته شود، تا ۵ عباسی قیمت دارد.» در هر صورت ورود واژه چاپ به زبان فارسی را به اواخر قرن هفتم هجری و به زمان سلطنت گیخاتوخان پسر اباقاخان مغول نسبت می دهند و آن پول کاغذی بوده که به آن چاو یا کاو (Cao) می گفتند. برخی هم برآند که واژه چاپ، همان چهاپ یا چهاپه که در زبان هندی به مفهوم مهری بوده که بر روی پارچه می زدند و آن را منقوش می ساختند، بوده است. در سال ۱۶۴۰ میلادی در دوره صفویه، بازرگانی ارمنی که از آرامنه ساکن آمستردام بود، دستگاه چاپی را با حروف ارمنی خریداری و به جلفای اصفهان وارد کرد. به دنبال آن، عده ای از بزرگان و پادشاهان صفوی به فکر ایجاد چاپخانه با حروف فارسی و عربی افتادند که پس از چندی به فراموشی سپرده شد تا دوران عباس میرزای نایب السلطنه که اولین چاپخانه سربی با حروف فارسی و عربی توسط میرزا زین العابدین در تبریز دائر شد و اولین کتاب منتشرشده آن، رساله جهادیه میرزاعیسی خان قائم مقام بود که در سال ۱۲۳۳ در جریان جنگ ایران و روسیه و پس از عهدنامه گلستان به چاپ رسید. این رساله حاوی فتاوی جهاد علمای آن زمان بود. در همین چاپخانه کتاب «مآثرالسلطانیه» و بعضی کتب دیگر از جمله «رساله آبله کوبی» به طبع رسیده است.



اما این چاپخانه نیز در سال ۱۲۴۵ تعطیل شد. در آن زمان هنوز واژه چاپ متداول نشده بود و به این خاطر آن را با اسمه خانه، بسمه خانه و مطبعه و دارالطباعه و دارالطبع می نامیدند. اما قدیمی ترین کتابی که به زبان فارسی در جهان به طبع رسیده است، دو کتاب به نام های «داستان مسیح» و «داستان سن پیدرو» است که هر دو با ترجمه لاتین در سال ۱۶۳۹ (۱۰۹۴ هجری) یعنی یازده سال پس از وفات شاه عباس اول در شهر «لیدن» توسط فردی به نام Ludovico ce dieu طبع شده است. همین شخص صفحاتی چند از ترجمه انجیل به زبان فارسی را هم به چاپ رسانده است. کتاب های فارسی پیش از اینکه در ایران به چاپ برسد در ممالک هندوستان، عثمانی، مصر و شهرهای اروپایی به چاپ رسیده است. در هندوستان توسط ماموران انگلیسی مقیم کلکته، نخستین چاپخانه برای طبع کتب فارسی در ۱۲۲۵ دائر شد. از قدیمی ترین کتاب های فارسی چاپ عثمانی، «فرهنگ شعوری» است که در سال ۱۲۵۵ هجری چاپ شده است. در مصر (مطبعه بولاق) هم کتب فارسی چاپ می کرده اند که اولین کتاب به نام «مفاتیح الدرر فی اثبات القوانین الدرر» در سال ۱۲۴۲ از چاپ خارج شده است. دیگر از کتاب هایی که در آنجا چاپ شده است، یکی «گلستان سعدی» و دیگر «پندنامه عطار» است که هر دو در سال ۱۲۴۴ به چاپ رسید. در شهرهای اروپایی مانند لندن، رم، پاریس، ونیز، لیدن، پترزبورگ و... نیز کتب فارسی به نفاست به چاپ رسیده است. پس از عباس میرزا، میرزا زین العابدین استاد چاپ در سال ۱۲۴۰ به فرمان فتحعلیشاه به تهران فراخوانده شد تا به کمک منوچهرخان معتمدالدوله، اولین چاپخانه سربی دارالخلافة را راه بیندازد. کتاب «محرق القلوب» از آثار آن است. نخستین کتاب چاپ سنگی تهران، «معجم» است که در ۱۲۵۹ به چاپ رسید. چاپ سنگی هم مانند چاپ حروفی و سربی، اول در تبریز به دستور عباس میرزا و همت میرزا صالح شیرازی از روسیه به تبریز وارد شد و آغاز به کار کرد. اولین کتاب هایی که توسط چاپ سنگی به چاپ رسید، قرآنی به خط میرزا حسین خوشنویس



معروف، به سال ۱۲۵۰ بود و از دیگر کتاب‌ها می‌توان به «زادالمعاد» تالیف علامه محمدباقر مجلسی چاپ شده در ۱۲۵۱ق و «حدیقه الشیعه» ملاحمد مقدس اردبیلی در سال ۱۲۶۰ق اشاره کرد.

پس از مدت‌ها امیرکبیر روزنامه وقایع اتفاقیه را که پس از قتل او روزنامه دولت علیه ایران و سپس به نام ایران نامیده شد، منتشر کرد. فرمان‌ها و دستورات شاه و وقایع و حوادث هر هفته که غالباً مربوط به دستگاه سلطنت بود، در آن روزنامه چاپ می‌شد و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، این روزنامه به وسیله میرزاابوالحسن خان صنیع الملک نقاش باشی، مصور گردید. ناصرالدین شاه در سفر اول خود به اروپا، هنگام بازگشت به ایران یک دستگاه چاپخانه سربی با حروف فارسی و لاتین خرید و به ایران فرستاد. این چاپخانه مدتی به علت نبودن سرپرست و حروفچین معطل ماند تا آنکه در سال ۱۲۹۲ هجری، بارون لویی دونرمان فرانسوی از ناصرالدین شاه امتیاز روزنامه لاپاتری را به زبان فرانسه گرفت و چاپخانه به وسیله او به کار افتاد. در این دوره، چاپخانه‌های دیگری در تبریز و بوشهر و اصفهان دائر شد و روزنامه‌هایی از قبیل روزنامه ملتی و روزنامه علمی و مریخ انتشار یافت. در شیراز، یک روزنامه نیمه فارسی و نیمه عربی به وسیله طبیب مخصوص ظل السلطان در حدود سال ۱۲۸۹ هجری تاسیس شد که بعداً فقط به فارسی منتشر می‌شد. توجه ناصرالدین شاه به امر تاریخ‌نویسی و ترغیب نویسندگانی چون رضاقلی خان هدایت و محمدحسن خان صنیع الدوله و لسان الملک سپهر به نوشتن کتب تاریخی، یک امر طبیعی بود زیرا او می‌خواست حوادث دوران سلطنت قاجاریه- خاصه وقایع دوره سلطنت خودش- را در کتاب‌ها ثبت و ضبط کند. کتب سنگی را در ایران، معمولاً بیش از ۷۰۰ یا ۸۰۰ نسخه چاپ نمی‌کردند، چراکه سنگ چاپ بیش از این قابلیت استنساخ نداشته است، اگرچه «اکمال الدین» شیخ صدوق (تهران ۱۳۰۱)



را در یک‌هزار و هشتاد جلد به چاپ رسانده بودند. خطی که در نوشتن کتاب برای چاپ سنگی به کار می‌رفت، بیشتر خط نسخ و نستعلیق و گاه شکسته بود. کاغذی که برای چاپ استفاده می‌شد غالباً کاغذ روسی و روزنامه بود و گاه کاغذهای فرنگی که از طریق خلیج فارس وارد می‌شد مورد استفاده قرار می‌گرفت. کاغذ آبی رنگ در بعضی از کتاب‌هایی که می‌خواستند صورت تزئینی داشته باشد به کار می‌رفت نظیر «منتخب دیوان کبیر شمس» که به نام «شمس الحقایق» (تهران ۱۲۸۰) طبع شده است و نیز مرسوم بود که در چاپ بعضی از کتب، کاغذهای رنگارنگ به کار برند؛ یعنی هر چند صفحه را به یک رنگ مخصوصی چاپ می‌کردند؛ مانند «دیوان انوری» که در سال ۱۲۶۴ در دارالطباعة دارالسلطنه تبریز چاپ شده است و ده رنگ کاغذ در آن استفاده شده است و اشخاص خیری که بانی انتشار می‌شدند، آن را وقف عام می‌ساختند تا نسخ آن کتاب تماماً به کسانی که استحقاق دارند مجاناً داده شود. بنا بر آنچه گفته شد، با ورود چاپ سنگی، چاپ حروفی و سربی به مدت ۲۲ سال در حاشیه قرار گرفت تا اینکه در اواخر قرن سیزدهم قمری، چاپ سربی در اغلب شهرهای بزرگ مانند تبریز، تهران، اصفهان، مشهد، رشت و چند شهر دیگر رواج یافت و تا پیروزی انقلاب، تنها روش چاپ در کشورمان محسوب می‌شد. با ورود کامپیوتر به کشور در دهه ۱۳۶۰ش این وسیله برای حروفچینی و صفحه‌آرایی مورد استفاده قرار گرفت و فعالیت در حوزه نشر را بسیار تسریع و تسهیل کرد.

و در نهایت آنکه حروفچینی سربی چه به صورت دستی و چه حتی با دستگاه‌های سطرچین، از حدود آغاز دهه ۱۳۷۰ روبه انقراض کامل نهاد

